

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۱۰

## مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی دانشگاه لازمه تمدن سازی اسلامی

۲۰۱  
مطالعات الگوی پیشرفت  
اسلامی و ایرانی

مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی دانشگاه لازمه تمدن سازی اسلامی  
مهدی ناظمی اردکانی، رمضان شعبانی سارویی

مهدی ناظمی اردکانی<sup>\*۱</sup>  
رمضان شعبانی سارویی<sup>۲</sup>

۱- استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

### چکیده

دانشگاه ها در جوامع صنعتی نوین علاوه بر کارکردهایی مانند تولید دانش (پژوهش)، انتقال دانش (آموزش)، اشاعه و نشر دانش (خدمات)؛ و تعلیم و تربیت و رهبری حرکت فرهنگ جامعه؛ عامل اصلی تحولات علمی و فناوری؛ منشأ نوآندیشی و جنبش های اجتماعی فرهنگی در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه و تأمین کننده نیروی انسانی متخصص برای بخشهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور هستند. نیازهای متعدد و متحول بخشهای کشور از یک سو و شکاف بین عملکرد وضع موجود دانشگاه ها با اهداف انقلاب اسلامی ایران از سوی دیگر، پرداختن به مهندسی فرهنگی دانشگاه را ضروری می سازد. رویکرد مهندسی فرهنگی به عنوان رویکردی جامع و راهبردی، از ظرفیت و قابلیت لازم برای پاسخگویی به این ضرورت، برخوردار است. در این مقاله سعی بر آن است تا با تبیین و تعریف لوازم و شاخص های لازم برای انجام این مهم، نظریه پردازی لازم در مهندسی فرهنگی دانشگاه صورت پذیرد.

**کلید واژه ها:** فرهنگ، دانشگاه، مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی

## مقدمه

تأسیس و شکل‌گیری دانشگاه در ایران به مواجهه ایران با مظاهر تمدن مدرن بازمی‌گردد. مراوده‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شکل گرفته در دوره‌ی قاجار با غرب مدرن، جنگ‌های ۱۳ ساله‌ی ایران و روس، سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا و... در کنار سیر انحطاطی که بعد از صفویه دامن‌گیر فرهنگ و اندیشه‌ی حاکم بر جامعه شده بود، در نهایت منجر به خودباختگی و پذیرش دانشگاه و دیگر مظاهر غرب، بدون توجه به مبانی فلسفی حاکم بر علم و تکنولوژی غرب شد.

در حقیقت سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه در بستری حرکت نموده که با توسل به نیروی استبداد مطلق به قدرتهای استعماری در کنار برنامه ریزی‌های منورالفکران غربزده، در صدد تغییر شرایط سنتی جامعه‌ی ایران در جهت حاکم کردن شرایط فرهنگی و تمدنی غرب مدرن بوده که خواسته‌ی اصلی و هدف نهایی استبداد پهلوی در این دوره سکولاریزاسیون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

فرآیند سکولاریزاسیون اگر چه از دوره‌ی قاجاریه آغاز شده بود، اما هر چه به کودتای سیاه نزدیک می‌شویم، حضور جریانهای سکولار را در عرصه‌های مختلف و تحولات اجتماعی بیشتر مشاهده می‌کنیم. از سوی دیگر اگرچه خاستگاه دانشگاه برخاسته از غرب و سکولاریسم است اما ضرورت‌های عصر جدید بازمهندسی ازرسالت دانشگاه را ایجاب می‌کند؛ تا راه برای اعتلای ایرانی اسلامی فراهم گردد.

۲۰۲

مطالعات الگوی پیشرفت  
اسلامی و ایرانی

سال اول - شماره دوم - زمستان ۱۳۹۱

بی تردید نیل به قله های تعالی و توسعه برای هر ملتی در گرو برخورداری از تمدنی بزرگ و اصیل است. در انقلاب اسلامی ایران نیز تنها با دانشگاه اسلامی این امر محقق می شود. «در همین راستا، نظام آموزش عالی کشور نیز به ناگزیر باید در جستجوی ارائه الگویی از دانشگاه فعال و سرآمد باشد که بتواند در کنار حفظ باورها و اعتقادات دینی و توجه به دیرینه باستانی و اسلامی، توسعه علمی، پژوهشی و مهندسی دانش، بینش، باورها و فرهنگ جامعه را محقق سازد. رسالت اصلی این طرح نوین تربیت همه جانبه نسلی دیندار و دانش پژوه است؛ نسلی مادی و معنوی، نسلی اخلاقی و علمی؛ نسلی که بتواند تمدن نوین ایرانی اسلامی را محقق سازد» (خرمشاد، آدمی، ۱۶۱، ۱۳۸۸).

امروزه دانشگاه های کشورمان اگرچه در عرصه های علمی و کاربردی به ویژه دانش های نو به افق های روشنی دست یافته اند که به هیچ روی قابل انکار نیست اما برای ساختن یک تمدن باشکوه، کوششی عالمانه و مجاهدتی عظیم می طلبد؛ این کار گونه ای مهندسی فرهنگی می جوید تا بر اساس فرهنگ مهندسی شده ای، از وضعیت موجود دانشگاه ها که با چالش ها و آسیب های جدی روبروست، به وضعیت مطلوب دانشگاه اسلامی رهنمون گردد.

بر این اساس نیازهای فرهنگی آتی انقلاب اسلامی از یک سو و شکاف بین عملکرد فرهنگی نظام با اهداف والای انقلاب اسلامی ایران از سوی دیگر، اصلی ترین ضرورت پرداختن به مهندسی فرهنگی دانشگاه در کشور است و رویکرد مهندسی فرهنگی به عنوان رویکردی جامع، راهبردی و چشم انداز محور برای

۲۰۳

مطالعات الگوی پیشرفت  
اسلامی و ایرانی

مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی دانشگاه لازمه تمدن سازی اسلامی

مهدی ناظمی اردکانی، رمضان شعبانی سارویی

فعال سازی ظرفیت ها و قابلیت های موجود برای پاسخگویی به این ضرورت ها را برخوردار است.

نیل به وضعیت آرمانی و مطلوب، فرایند خاص خود را می طلبد. در مهندسی فرهنگی دانشگاه برای رسیدن به وضعیت مطلوب و تحقق آرمان ها، سه گام اساسی تعریف می گردد: گام اول مهندسی فرهنگ؛ گام دوم مهندسی فرهنگی؛ گام سوم مدیریت فرهنگی است که در این پژوهش به دو گام اولیه اشاره می گردد:



شکل شماره (۱): گام های اساسی در مهندسی فرهنگی، منبع: کریمی بندرآبادی، ۱۳۸۹

### مبانی نظری

با توجه به ماهیت مهندسی فرهنگی دانشگاه، مطالعه مباحث نظری، مفاهیم و تعاریف مرتبط با مهندسی فرهنگی دانشگاه، ضروری به نظر می رسد. در این قسمت با مروری بر برخی از مطالعات صورت گرفته در مجموعه اصطلاحات

مرتبط با فرهنگ، دانشگاه، مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی، به تبیین مهندسی فرهنگی دانشگاه پرداخته می‌شود.

## ۱- مرور ادبیات تحقیق

### ۱-۱. فرهنگ

فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه دانست. ادگار شاین در تعریفی دقیق‌تر، فرهنگ را مجموعه‌ای از مبانی و اندیشه‌های بنیادین، اصول و ارزش‌های حاکم و نمادها و سمبل‌های بیرونی می‌داند که جامعه نسبت به آن اعتقاد و باور پیدا کرده، از عمل به آن احساس رضایت، لذت و شادی می‌کند و از عمل نکردن به آن احساس نارضایتی، شرم و گناه می‌کند. وی معتقد است به منظور نهادینه کردن فرهنگ در جامعه باید نگاه و توجهی متوازن و هماهنگ به تمامی سطوح فرهنگ داشت.

فرهنگ از متغیرهای بسیاری که برخی شناخته شده و برخی ناشناخته هستند، تأثیر می‌پذیرد که همگی دارای خصلت سیلان، شناوری و تغییرپذیری هستند و پیچیدگی خاصی را به این پدیده می‌بخشند و مدیریت و مهندسی آن را بسیار دشوار می‌سازند. اجزاء، عناصر و متغیرهای تشکیل‌دهنده فرهنگ در جوامع مختلف هم از حیث نسبت و هم از حیث ماهیت با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که تغییر این اجزاء و عناصر است که فرهنگ‌های گوناگون را شکل می‌دهد.

مهمترین خصوصیات فرهنگ شامل: اکتسابی بودن، اشتراکی بودن، قابلیت انتقال، تطبیقی بودن آن است.

بر این اساس، نتایج زیر از خصوصیات فرهنگ حاصل می شود:  
اولاً: از ویژگی اکتسابی بودن فرهنگ معلوم می گردد که با مدیریت، تلاش و برنامه ریزی می توان به تقویت بنیان های فرهنگی و جهت دادن به فرهنگ در مسیر دلخواه پرداخت.

ثانیاً: با توجه به ویژگی اشتراکی بودن، نقش تک تک افراد یک ملت برای اصلاح فرهنگ معلوم می شود.

ثالثاً: باتوجه به قابلیت انتقال فرهنگ، بایستی به رصد حوادث و اتفاقات فرهنگی دیگر ملل دنیا توجه کامل داشت و برای صدور، انتقال و تعامل فرهنگی با دیگر ملل و اقوام برنامه ریزی کلانی انجام شود.

رابعاً: متولیان مهندسی فرهنگی همواره باید بر تمام جریانات و اخبار و اتفاقات روز، تسلط و آگاهی داشته باشند تا جریانات فرهنگی را همیشه در جهت مطلوب هدایت نمایند.

خامساً: با نگرش آرمانی و سیستمی، هدف و یا اهداف واحد سیستم فرهنگ را تعیین کرد و کارکرد همه ی اعضا و اجزا را، در جهت این اهداف تعریف نمود تا با هماهنگی و همکاری همه ی آن ها، مطلوب غایی محقق گردد.

در مجموع در تعریف فرهنگ می توان گفت: فرهنگ نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می

دهد و هویت آن را می‌سازد و در ۴ سطح: فرهنگ ملی (اسلامی - ایرانی)؛ فرهنگ عمومی؛ فرهنگ تخصصی؛ فرهنگ حرفه‌ای قابل بررسی و طبقه بندی است.

### ۱-۲. دانشگاه

دانشگاه با کارکرد اصلی تولید علم و دانش یک مقوله‌ی غربی است؛ بدین معنی که «دانشگاه با همه‌ی ویژگی‌هایش در تاریخ و فرهنگ ما تحقق نیافته، بلکه از «فرهنگ و نظام اجتماعی غرب» اقتباس شده است. در تاریخ و فرهنگ اسلامی و ایرانی، نظام آموزشی دارای خصوصیات هم‌چون پیوستگی علم و دین، ساز و کارهای مدیریتی و اداری آزاد و غیر بوروکراتیک، هم‌پا بودن تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) و... بوده است. نظام دانشگاهی غرب، فاقد این خصوصیات است. بدین جهت، این «نظام وارداتی» نتوانسته با بافت جامعه‌ی ایران پیوند بخورد و نیازهای آن را برآورده سازد.

### ۱-۳. مهندسی فرهنگ

منظور از مهندسی فرهنگ فرایند بازشناسی، آسیب شناسی، پالایش و ارتقا بخشی فرهنگ و جهت‌دهی آن بر پایه هویت اصیل اسلامی - ایرانی با توجه به شرایط و مقتضیات ملی و جهانی است. مهندسی فرهنگ یعنی شناخت دقیق اجزا سه گانه فرهنگ (ارزش‌ها و نگرش‌های اساسی، باورها و نمادها) و طراحی، نوسازی و بازسازی مجدد آنها، به گونه‌ای که ارتباط منطقی و موزون بین آنها برقرار باشد.

۲۰۷

مطالعات آگویی پیشرفت  
اسلامی و ایرانی

مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی دانشگاه لازمه تمدن سازی اسلامی

مهدی ناظمی اردکانی، رمضان شعبانی سارویی

در مهندسی فرهنگ تنظیم اجزا و لایه‌های فرهنگ و چگونگی ارتباط بین این اجزا و ارتباط آنها با اجزا سایر لایه‌ها صورت می‌گیرد.



شکل شماره (۲) اجزاء فرهنگ، منبع: نویسنده

به عبارت دیگر مجموع مطالعات، محاسبات و نتیجه‌گیری‌ها در سه مرحله تعیین وضعیت مطلوب و آرمانی؛ بررسی وضعیت نامطلوب موجود؛ تعیین استراتژی برای رسیدن به وضعیت مطلوب را می‌توان مهندسی فرهنگ نامید. از منظر مقام معظم رهبری مهندسی فرهنگ عبارتند از اینکه: مشخص کنیم که فرهنگ چگونه باید باشد؟ (فرهنگ آرمانی و وضعیت مطلوب)؛ اشکالات و نواقصش چیست (بررسی وضعیت نامطلوب موجود)، و چگونه باید رفع شود (تعیین استراتژی برای رسیدن به وضعیت مطلوب)، کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ (تعیین وضعیت موجود). (رهبری، ۸/ ۱۰ / ۱۳۸۳)

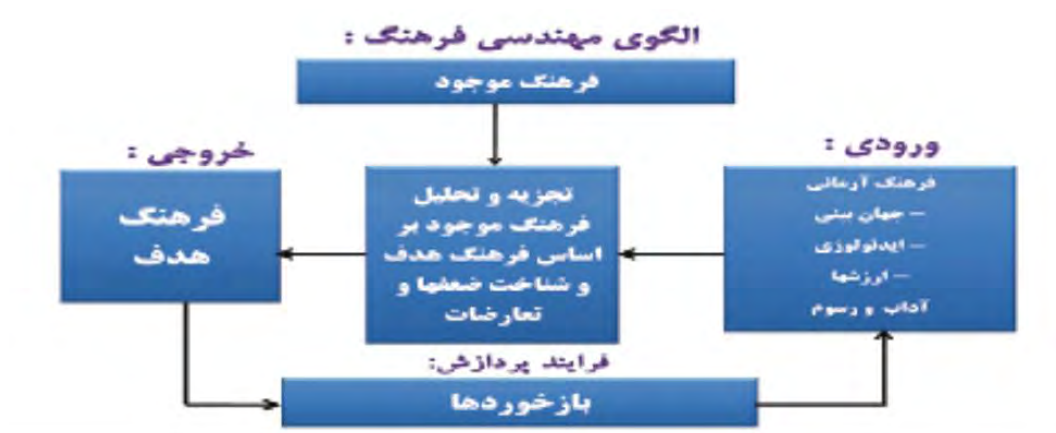


بنابر این مراحل مهندسی فرهنگ عبارتند از:

۱- تعیین وضعیت مطلوب و آرمانی: آرمان، ترسیم چشم انداز آینده به عنوان عنصر جهت دهنده انگیزه ها و فعالیت ها و توقعات اعضای جامعه است. در مرحله اول مهندسی فرهنگ، وضعیت آرمانی و مطلوب خویش را مشخص می کنیم. یعنی به کجا می خواهیم برسیم؟ هدف غایی و نهایی ما چیست؟

۲- بررسی وضعیت نامطلوب موجود: در مرحله دوم وضعیت موجود خود را، استعدادها و توان و مشکلات، موانع و نواقص فرهنگ موجود خود را بررسی می کنیم. در این مرحله بایستی به شناخت آسیب ها، چالش ها، موانع و نواقص های موجود توجه شود.

۳- تعیین استراتژی برای رسیدن به وضعیت مطلوب: منظور از استراتژی در مهندسی فرهنگ، تعیین راه حل اساسی و کلی، طرح اندیشه متعالی، بلند و راه گشا در جهت رسیدن به آرمان است. در حقیقت استراتژی، مسیر و بزرگراه اصلی تحقق آرمان است. در مرحله سوم لازم است راهبرد متعالی و یا استراتژیک خویش را برای حرکت از وضع نامطلوب موجود به سمت وضعیت مطلوب مشخص کنیم. در این مرحله با تعیین نقطه هدف و دوره زمانی، از فرهنگ موجود فاصله گرفته و به فرهنگ مطلوب رهنمون می شویم.



شکل شماره (۳): الگوی مهندسی فرهنگ، منبع: ناظمی، ۱۳۸۴

آنچه در مهندسی فرهنگ ضروری است بدان توجه گردد بایسته های مهندسی فرهنگ کشور است که عبارتند از:

- ۱- باید فرهنگ، عناصر و مقولات فرهنگی و نقش ویژه آنها را در شکل گیری فرد و جامعه به خوبی شناخت.
- ۲- باید با نگاهی جامع، همه ابعاد فرهنگی مانند دانش ها، نگرش ها، هنر، آداب، رسوم و... و تأثیر هر کدام بر یکدیگر را مورد بررسی قرار داد.
- ۳- وضعیت فعلی فرهنگ کشور باید واقع بینانه و مبتنی بر پژوهش های میدانی شناخته شود.
- ۴- نقاط ضعف فرهنگ کشور و خطرهایی که جامعه اسلامی را تهدید می کند و بر آن تأثیر منفی می گذارد به خوبی مورد سنجش قرار گیرد. یقیناً آسیب شناسی یکی از اقدامات مهم مهندسی فرهنگ می باشد.

۵- نقاط قوت فرهنگ کشور به عنوان سرمایه های عظیمی که می تواند دستمایه اصلی تحولات تکاملی فرهنگی باشد شناخته شود.

۶- وضعیت مطلوب و آرمانی فرهنگ کشور یا همان فرهنگ جامعه آرمانی (اتوپیای) اسلام با توجه به تمامی ابعاد و زوایای آن (آگاهی ها، اعتقادات، هنرها، اقتصاد، سیاست، معماری، لباس و...) تبیین شود.

۷- برای حرکت از وضع موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب، نقشه راه که نشان دهنده تمامی مراحل می باشد طراحی و برنامه ریزی شود.

۸- اقدامات عملی لازم برای اجرای مرحله ای این حرکت عظیم آغاز شود. دستیابی به نقشه ای مطلوب برای اصلاح، تکمیل و ارتقای فرهنگ جامعه، نتیجه ای است که از مهندسی فرهنگ انتظار می رود. همان گونه که اشاره شد، این نقشه باید بتواند چیرستی و چگونگی اصلاح فرهنگ را تبیین کند و نه تنها راهبردهای اساسی و کلان، که راهکارهای عملیاتی و وحدت بخش در عرصه اصلاح فرهنگ را ارائه نماید. اصول لازم الرعایه برای حصول این امر، پیش از آغاز تولید این نقشه، باید مورد قبول واقع شود و در فرایند تولید کاملاً رعایت گردد. اندیشمندانی این اصول را از مهم ترین اصول حاکم بر فرایند مهندسی فرهنگ برشمرده اند: (۱) جامعیت / تخصص (۲) آرمان گرایی / واقع بینی / آینده نگری (۳) مشارکت / اجماع (۴) انسجام / استناد (۵) مراتب متکامل / اکمال متقابل برشمرده اند. (رک: ذوعلم، سایت فرهنگ).

#### ۴-۱. مهندسی فرهنگی

مهندسی فرهنگی عبارت است از مهندسی یک سیستم و اجزا و عناصر و تنظیم نحوه روابط و تعامل میان اجزا و عناصر آن سیستم با خود (محیط داخلی) و با محیط خارجی، به گونه‌ای که مجموعه این سیستم به «هدف» یا «اهداف» از پیش طراحی شده (که در اینجا منظور تحقق فرهنگ مهندسی شده است) برسد و یا نزدیکتر شود.

مهندسی فرهنگی، فقط ناظر به دستگاه‌های فرهنگی نیست، بلکه همه برنامه‌ها، دستگاه‌ها و نهادها و بخش‌هایی را که می‌توانند بازتاب یا کارکردی فرهنگی داشته باشند، بررسی می‌نماید و بایستگی‌هایی را تعیین می‌کند که همه بخش‌ها مخاطبان آن هستند. مهندسی فرهنگ نیز اساساً ناظر به دستگاه‌ها یا بخش‌های فرهنگی نیست بلکه در آن فرهنگ جامعه و کارکرد آن نقد و بررسی می‌شود، کاستی‌ها و آسیب‌های آن شناسایی می‌گردد و با توجه به وضع مطلوبی که برای اجزاء گوناگون فرهنگی تعریف شده است و نیز روابط درونی این اجزاء، تقدم و تأخر آن‌ها و ارتباط ذاتی و کارکردی آنها با همدیگر، نقشه اصلاح فرهنگ ترسیم می‌شود و در آن اولویت‌ها، نقاط حساس و مسیری که برای نزدیک شدن به وضع مطلوب باید طی شود، مشخص می‌گردد. «مهندسی فرهنگی کشور، مهندسی کلان نظام کشور، نظامات، سازمان‌ها، سیاست‌ها، قوانین و سازوکارهای مبتنی بر اهداف فرهنگی است.» (ناظمی، ۱۳۸۵: ۴۵)

مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی را بایستی به عنوان یک چرخه مهندسی در نظر گرفت که همیشه در حرکت است. با وجود چرخه مهندسی فرهنگی و

مهندسی فرهنگ است که دستیابی به فرهنگ متعالی و نظام تکامل بخش فردی و اجتماعی ممکن و اهداف متعالی انسان محقق می‌شود.



شکل شماره (۴): تعامل مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی، منبع: نویسنده

در پاسخ به این سؤال اساسی که چرا دانشگاه ما نیازمند «مهندسی فرهنگ» و «مهندسی فرهنگی» است باید خاطر نشان ساخت که فرهنگ نظامی است شامل باورهای بنیادین و پیش فرض‌های اصلی اعتقادی انسان‌ها به نظام هستی و جایگاه انسان در آن، که از درون آن، ارزش‌ها و هنجارهای زندگی استخراج می‌گردد و این نظام رفتارهای انسان‌ها را در برابر خالق، دیگر انسان‌ها، خود و طبیعت، شکل می‌دهد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. وقتی در قالب نظام (سیستم) داده و ستاده، سه رکن اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای انسان مطالعه می‌گردد، متوجه می‌شویم، که هم از رهگذر تغییر باورها، رفتار انسان‌ها تغییر می‌کند و هم با پذیرش

رفتارهای جدید از محیط پیرامونی، به تدریج و به آرامی نوع باورهای انسان‌ها تغییر می‌یابد.

گسترده‌گی تأثیر فرهنگ؛ ناشناخته بودن یا مورد تفاهم نبودن مفهوم فرهنگ؛ نیاز به شناسایی موثر عوامل فرهنگ ساز در درون و بیرون جامعه؛ احساس دیرنگام از وجود انحراف فرهنگی؛ کاهش آسیب پذیری فرهنگی با ورود به عصر ارتباطات و جهانی سازی فرهنگی؛ نیاز به تعالی فرهنگی جامعه مبتنی بر آموزه های اسلام ناب و از طریق راهبری هدفمند و روشمند فرهنگ از مهمترین ضرورت های مهندسی فرهنگی است.

در مجموع ضرورت های مهندسی فرهنگی در دو بعد ملی و فرا ملی مورد توجه قرار می گیرد:

#### الف) ضرورت های فرا ملی مهندسی فرهنگی

۱- جایگزینی اصل تحول و تغییرات فرهنگی به جای اصل ثبات فرهنگی: با آغاز قرن بیست و یکم، اصل تحول و تغییرات فرهنگی جایگزین ثبات فرهنگی شده است. این تغییرات پارادایمی، پیشرفت‌های تکنولوژیک و پیدایش جوامع اطلاعاتی از یک سو به پویایی درونی روزافزون جوامع انجامیده، و از سوی دیگر تحولات گسترده محیطی را در دو موج بین المللی شدن، و جهانی شدن به همراه داشته است.

۲- جنگ سرد فرهنگی غرب علیه اسلام و بالاخص فرهنگ شیعه: در دو دهه اخیر با فروپاشی بلوک شرق و شکل گیری نهضت بیداری اسلامی تقابل فرهنگی

غرب علیه فرهنگ اسلامی و بالخصوص فرهنگ شیعی، که کشورمان نمایندگی آن را به عهده دارد، شدت گرفته است. توفیقات جمهوری اسلامی در کنار بیداری ملل اسلامی و ناکارآمدی سازوکارهای مقابله، به شکل گیری هدفمند و رسمی آنچه مقام معظم رهبری از آن تحت عنوان «ناتوی فرهنگی» یاد کردند، شده است.

۳- پیوند درونی و عمیق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار با هویت و فرهنگ جامعه: تجربه جهانی و توسعه کشورهایی همچون ژاپن، هند، چین، کره جنوبی و مالزی مبین آن است که تکیه بر هویت و فرهنگ ملی و بومی، اساس هر نوع توسعه پایدار و واقعی می باشد. علت این امر ریشه در این حقیقت دارد که توسعه در بستر فرهنگی - تاریخی تکامل و تحقق می یابد.

### ب) ضرورت های داخلی (ملی) مهندسی فرهنگی

۱- تدوین سند چشم انداز ایران ۱۴۰۴: هر چشم انداز ماهیتاً تغییرات فرهنگی را دیکته می نماید. زیرا برای تغییر در عملکرد جوامع انسانی علاوه بر تغییرات سخت و ساختاری، تغییرات فرهنگی نرم ضروری است. بنابراین مهندسی فرهنگی (تحولات فرهنگی برنامه ریزی شده) همزاد چشم انداز فرهنگی کشور می باشد. بدون تردید، باورها و ارزش ها و الگوهای رفتاری مناسب برای کسب جایگاه اول در منطقه در عرصه های مختلف با ارزش ها و باورهای یک جامعه پیرو و منفعل بسیار متفاوت می باشد.

۲- تجربه بالاترین میزان تغییر و تحولات کشور در بین کشورهای جهان: همزمانی وقوع انقلاب اسلامی، به عنوان نقطه عطف تحولات کشور در عصر معاصر، با تحولات اساسی و فراگیر در سطح جهان، ایران را در زمره معدود کشورهایی قرار داده است که در ربع قرن گذشته، بالاترین نرخ تغییر و تحولات را تجربه کرده اند.

۳- فقدان استراتژی و یا حاکمیت استراتژی انطباقی در بخش فرهنگی کشور: در ۳۳ سال گذشته تغییرات بر مدیریت آنها پیشی داشته اند و بیشتر مداخلات انجام شده انفعالی بوده است. این رویکرد انفعالی، اساساً قادر به پاسخگویی مطالبات و شرایط کنونی کشور نمی باشد. بنابراین پیش بینی روند تغییرات فرهنگی جامعه و جهت دهی و هماهنگ سازی آنها در چارچوب اهداف سند چشم انداز ضرورتی اجتناب ناپذیر به شمار می رود (روزبهان، سایت شورای انقلاب فرهنگی)

ترسیم مسیر حرکت از وضعیت نامطلوب فرهنگی به سمت وضعیت مطلوب و آرمانی آن را، نقشه مهندسی فرهنگی گویند. با دقت در فرمایشات رهبری در می یابیم که نقشه مهندسی فرهنگی کشور به طور خاص باید موارد ذیل را مشخص نماید که: چه کارهایی باید انجام شود یا چه کارکردهایی برای تحقق اهداف غایی فرهنگی و پیاده کردن مهندسی فرهنگی کشور مورد نیاز است؛ چه کسانی باید این کارها را انجام دهند یا چه ساختارهایی برای تأمین کارکردهای مورد نیاز باید به اجرای نقشه پردازند؛ چگونه باید این کارها انجام شود یا چگونه باید کارکردهای مورد نیاز تأمین گردند.



آنچه در مهندسی فرهنگی قابل توجه است پیش فرض ها، و اصول حاکم بر مهندسی فرهنگی است.

مهمترین اصول و پیش فرضها در مهندسی فرهنگی عبارتند از: س دین، پایه و جوهر هویت، ارزش ها و فرهنگ کشور است. س فرهنگ پدیده اجتماعی با پیچیدگی بسیار، پویا و در حال تغییر و دگرگونی است.

س فرهنگ با سیاست و اقتصاد رابطه متقابل و گسست ناپذیری دارد. مدیریت و راهبری فرهنگی مستلزم درک روابط بنیادین آنها می باشد؛ فرهنگ به سیاست و اقتصاد جهت می دهد.

س فرهنگ در چارچوب شرایط (عوامل نسبتاً ثابت)، و با توجه به مقتضیات (روندهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) تحول پذیر می باشد. س ضرورت تمایز قائل شدن بین ارزش های بنیادی و ارزش های ابزاری و برقراری هماهنگی و تعادل بین آنها از طریق مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور (ارزش های جوهری و بنیادی همچون عدالت، آزادی، و کرامت انسانی ارزش های مطلق می باشند، و ارزش های ابزاری همچون نوآوری، و کسب سود اما تابع مقتضیات و قابل داد و ستد و نهایتاً نسبی هستند).

س مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی پروسه ای مستمر و پویا می باشد. س مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی نیازمند تحول در نظام مدیریت و به ویژه نظام مدیریت راهبردی فرهنگی کشور می باشد.

س اقدامات جزئی و بخشی در حوزه مهندسی فرهنگی ناکارآمد و محکوم به شکست است، بنابراین جامع نگری از شرایط اساسی مهندسی فرهنگی کشور است و بر همین اساس مهندسی فرهنگی در برگیرنده نظام اقتصادی، سیاسی، فناوری، تعلیم و تربیت، مذهب، خانواده، نظام رسانه ای، هنر، زبان و سایر مؤلفه های کلیدی کلان می باشد.

س حفظ و پاسداری از هویت، ارزش ها و مرزهای فرهنگی جامعه از وظایف نوین دولت ها، به ویژه در شرایط کنونی، می باشد.

س دولت وظیفه بستر سازی، حمایت و سیاست گذاری مشارکتی در حوزه فرهنگ را به عهده دارد و نه کنترل و نظارت نزدیک فرهنگی.

س مهندسی فرهنگ با تقویت ارزش های بنیادی و زمینه سازی برای شکل گیری و توسعه ارزش های ابزاری و زمینه محور به توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه می انجامد.

س مهندسی فرهنگی کشور با توجه به نقش و جایگاه کشور در سطح منطقه و جهان انجام می شود.

از اقدامات لازم در مهندسی فرهنگی کشور عبارتند از:

۱- نوع مهندسی آرمانی حاکم بر کشور و نظام های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را مبتنی بر فرهنگ آرمانی مشخص کرد.

۲- نوع مهندسی موجود و حاکم بر کشور (کلان نظام) و نظام های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شناسایی و نقاط ضعف را مشخص کرد.

۳- نوع مهندسی هدف (مناسب): ( آن نوع مهندسی که در یک بازه زمانی مشخص با توجه به شرایط و مقتضیات محیطی) بر اساس فرهنگ هدف باید بر کلان نظام و نظام‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی حاکم گردد را تعیین نمود.

در مهندسی فرهنگی دانشگاه (دانشگاه به عنوان یکی از دستگاه‌های فرهنگی) ضروری است جایگاه دانشگاه در بین دیگر دستگاه‌های فرهنگی تبیین گردد. بدین ترتیب می‌توان نهادها و دستگاه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر فرایند فرهنگ دانشگاه را در سه دسته طبقه بندی کرد:

۱) دستگاه‌های فرهنگی تولید دانش (پژوهشی)؛

۲) دستگاه‌های فرهنگی انتقال دانش (آموزشی)،

۳) دستگاه‌های فرهنگی ترویج دانش (تبلیغی)

#### ۱-۵. مهندسی فرهنگی دانشگاه

امروزه مهمترین کانونهای دانش در جوامع مختلف، عنوان دانشگاه به خود گرفته اند. دانشگاه‌های امروزی بیش از هر زمان دیگری به نهادهایی تبدیل شده اند که علاوه بر کارکردهای علمی، دارای نقشهای بسیار جدی و تأثیرگذار اجتماعی، فرهنگی و تمدنی هستند. «دانشگاه به عنوان یک نهاد پیچیده فرهنگی و کانونی مهم، به انتظام اخلاقی و اجتماعی جامعه کمک می‌کند و در جهت بهبود کیفیت زندگی و حفظ و پویایی و نشاط جامعه برای خود مسئولیت‌هایی قائل است. این نهاد بزرگ اجتماعی همچنین به عنوان هسته پیش‌تاز تحولات عمل کرده و از

طریق رصد تغییرات اجتماعی و فرهنگی به ویژه در عرصه علم و فناوری، جامعه را برای تسلط بر رویدادهای مهم آینده توانمند و مهیا می کند» (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴، ۱۰).

می توان سه کارکرد اصلی برای دانشگاه ها قائل شد: ۱) تولید دانش (پژوهش)، ۲) انتقال دانش (آموزش)، ۳) اشاعه و نشر دانش (خدمات). (خرمشاد، آدمی، ۱۳۸۸، ۱۷۳). دانشگاهها در جوامع صنعتی نوین نه تنها عامل اصلی تحولات علمی و فناوری در بخشهای اقتصادی تولید (صنعتی و کشاورزی) و توزیع (بازرگانی) و پشتیبانی (خدمات) هستند، بلکه منشأ نواندیشی و جنبشهای اجتماعی فرهنگی در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه نیز هستند. از سوی دیگر، دانشگاه ها به طور همزمان تأمین کننده نیروی انسانی متخصص برای بخشهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستند. سومین کارکرد مهم دانشگاه، یعنی اشاعه و نشر دانش در جامعه تنها توسط نیروی انسانی ممکن است (اجتهادی، ۱۳۷۷، ۴۱).

در مهندسی فرهنگی دانشگاه باید به طراحی دانشگاه مطلوب اسلامی اهتمام ورزید، آنگاه در بررسی وضع موجود به شناخت چالش ها و آسیب ها روی آورد و با بررسی شکاف وضع موجود و مطلوب به تعیین استراتژی لازم دست یازید.

دانشگاه، فرهنگ عمومی کشور را متناسب با تمدن ترسیم شده در همه ابعاد آن و تعریفی که از تمدن ارائه شد، می سازد و بالنده می کند. این بالندگی در برونداد دانشگاه به صورت خرده فرهنگ ها در حوزه های مختلف صنعتی،

اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دیده می شود؛ سپس همه اینها از مجرای فرهنگ عمومی در درازمدت تمدن را محقق می سازند.

از طرفی دانشگاه ها علاوه بر شکل دهی و بازتولید تمدن ها، در پویایی و استمرار آنها نیز نقش اساسی ایفا می کنند. دانشگاه در روند اجتماعی کردن، فرهنگ را به سطح عمومی جامع انتقال میدهد. در این انتقال، ملت هویت خود را به دست می آورد...دانشگاه به جامعه هویت می دهد و در مسیر این هویت سازی، حرکت، تلاش و میل به خودکفایی در او ایجاد شده، خلاقیت خود را به کار گرفته و از مسیر کارآفرینی توسعه پایدار فراهم می شود؛ بر مدار این توسعه پایدار است که تمدن فراهم شده استمرار می یابد و مدام پویا و بالنده حفظ می شود. (خرمشاد، آدمی، ۱۳۸۸، ۱۷۴)

انقلاب اسلامی در فرایند تکاملی خود با عبور از انقلاب سازی، در حال نظام سازی، دولت سازی، کشور سازی، و تمدن سازی است. این وظیفه مهم می تواند برعهده یک دانشگاه اسلامی باشد. مهندسی این پروژه کلان نیازمند این است که بدانیم نظام، دولت، کشور و تمدنی که در پی آن هستیم و سودای رسیدن به آن را در سر می پرورانیم، چه مشخصه هایی دارد. پس از تعیین اولویت ها و نیازهاست که خواهیم دانست چه مصالحی را باید به کار گیریم و کدام راه را باید برگزینیم.

## ۲- مدل مهندسی فرهنگی دانشگاه

### ۲-۱. مهندسی فرهنگی مطلوب دانشگاه

اینکه در «آینده» فضای فرهنگی و ارزشی دانشگاه باید چگونه باشد؟ مختصات «دانشگاه اسلامی» چیست و نظام دانشگاهی ما باید به چه سویی حرکت کند؟ «مقصد» کجاست؟ اگر مقصد نهایی، «دانشگاه اسلامی» است دارای چه ویژگی‌ها و خصوصیات است و... همه این امور با مهندسی فرهنگی مطلوب دانشگاه تحقق می‌یابد.

انقلاب فرهنگی همزاد انقلاب اسلامی ایران و توجه حداکثری ملت ایران به فرهنگ و هویت، حاکی از تبیین هدفمندی و جهت‌داری دانشگاه برای حفظ و بازتولید ارزشها و فرهنگ ایرانی اسلامی است که برای مدت‌ها مغفول مانده بود و این‌بار در دانشگاه اسلامی محقق می‌شود. دانشگاه اسلامی به عنوان نهاد متولی آموزش عالی در کشور دو دسته اهداف کلی را دنبال می‌کند: دسته نخست اهدافی است که ثبات و تثبیت علم و تمدن را در دانشگاه و از طریق آن پیگیری می‌کند. حفظ ارزشهای مورد انتظار از یک دانشگاه تمدن‌ساز ایرانی اسلامی، تثبیت علم و ثبات دانشگاه را در پی دارد. اما دیگرهدف دانشگاه اسلامی حرکت در جهت پیشرفت، تکامل، توسعه و ترقی است. نوآوری درحوزه بصیرت و علم به منظور گسترش ظرفیت‌های تمدنی است. پیشرفت نیز در ظرفیت‌سازی بیشتر دانشگاه مطابق با نیازهای روز، نهفته است. ترسیم نقشه جامع علمی و فرهنگی و نیز سند چشم‌انداز با این هدف صورت گرفته که دانشگاه و مراکز علمی

۲۲۲

مطالعات اکوی-پیشرفت  
اسلامی و ایرانی

سال اول - شماره دوم - زمستان ۱۳۹۱

فرهنگی کشور پیوسته عملکرد را به ظرفیت نزدیک کنند و پیوسته ظرفیت را ارتقا دهند(خرمشاد، آدمی، ۱۳۸۸، ۱۷۴).

به این ترتیب، دانشگاه اسلامی، دانشگاهی دانش محور و علم گراست. این دانشگاه در جستجوی ایجاد جهش و جنبش در علم و تولید آن است. در این راستا هم جنبش نرم افزاری لازم است، هم انقلاب فناورانه و سخت افزاری. جنبش های نرم افزاری تسهیل کننده حرکت تمدن سازی و روان کننده موتور سخت افزاری و به نوعی هدایت بخش آن به سمت افق تمدنی هستند. در این

مسیر همواره خردگرایی، عقل باوری و دانش محوری از ستونهای اصلی تمدنهای مختلف بوده و با اوج و افول آگاهی و معرفت انسانی نسبت به خدا، خود، هستی و طبیعت یا به عبارت بهتر خداشناسی، هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی تمدنها ظهور یا افول کرده اند. تمدن بزرگ اسلامی ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیست. گفتمان علم محوری آغازی بنیادین برای گفتمان تمدن ساز انقلاب اسلامی و دانشگاه تمدن ساز ایرانی اسلامی است.

«خرمشاد» در توصیف دانشگاه مطلوب(اسلامی) به این مؤلفه ها و ابعاد اشاره کرده است: ساختار هوشمند و خلاق با دغدغه بازانديشي تمدنی و بازسازی اجتماعی؛ دغدغه تربیت شهروند فرهنگی و اشاعه فرهنگ شهروندی بومی جهانی؛ دغدغه تعامل های علمی، فرهنگی، اجتماعی میان ادیان، مکاتب فکری فلسفی و ملتها؛ معنویت گرا؛ ارزشگرا؛ عدالت محور؛ پژوهش محور، دانش گرا و معرفت ساز؛ فراکارکردگرا با کارکردهای بومی، منطقه ای، فرامرزی و فراملی؛ فن گرا، تخصص محور و مهارت ساز؛ توسعه جو؛ پیامدگرا و برونداد محور؛ نقد

محور؛ رقابتی؛ میان رشته گرا و فرارشته‌گرا؛ آموزش محور؛ نخبه گرا؛ انسان ساز؛ پاسخگو در برابر نیازهای جامعه؛ پویا؛ و تولیدمحور است (رک: خرمشاد، آدمی، ۱۳۸۸، ۱۶۱-۱۶۳).

## ۲-۲. مهندسی فرهنگی وضع موجود دانشگاه

به طور کلی دو دیدگاه عمده در زمینه آسیب شناسی دانشگاه وجود دارد:

الف) دیدگاهی که خود دانشگاه را کانون آسیب‌زا می‌داند.

ب) دیدگاهی که معتقد است به دلیل ماهیت دانشگاه و فضای نقادانه و آزاد آن، آسیب‌پذیری‌های فرهنگی - اجتماعی در عرصه دانشگاه امکان ظهور و بروز سریع‌تری می‌یابند زیرا دانشگاه میزان الحراره‌ای جامعه است.

## زمینه‌های آسیب‌زا برای دانشگاه

### ۱- زمینه‌ها و مصادیق درونی:

س عدم رشد متناسب آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و اعتقادی دانشجویان و استادان و در نتیجه کاهش تعهد به ارزش‌های مشترک، اعتقاد به نفس و خود باوری.

س عدم دستیابی آسان دانشجویان به الگوهای عملی و جذاب دینی در محیط دانشگاه و وجود تفسیرهای سلیقه‌ای از مبانی دینی.

س عدم دستیابی به الگوها و شیوه‌های منطقی گفتگو برای حل مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و صنفی در محیط دانشگاه.



س عدم شکل‌گیری و فراگیری مطلوب تشکل‌های دانشجویان و استادان.  
س وجود برخی اختلالات و ضعف در ادراک اهداف و آرمان‌های منافع  
مشترک.

س کاهش کیفیت آموزش‌ها به دلیل مشکلات گوناگون اداری، اجرایی، مالی و  
عدم تناسب رشد امکانات و ظرفیت‌ها با رشد ماموریت‌ها و وظایف و افزایش  
کمی دانشجویان.

س کمبود امکانات، فضاها و بودجه فرهنگی دانشگاه‌ها.

س انعطاف‌ناپذیری نظام اداری و عدم هم‌یابی با فضای فرهنگی دانشگاه و  
نیازهای جدید.

س کاهش نشاط فعالیت و سرزندگی در دانشجویان و استادان به دلیل  
مشکلات معیشتی و اجتماعی.

س وجود برخی تعارضات و عدم انسجام در سطح تصمیم‌گیری و مدیریت  
فرهنگی در دانشگاه‌ها.

س وجود برخی زمینه‌های نارضایتی در دانشجویان که موجب تمرد، مخالفت و  
یأس می‌گردد.

۲- زمینه‌ها و مصادیق آسیب‌زای بیرونی:

س عدم شناخت کافی و جامع دانشگاه و ویژگی‌ها و حساسیت‌های آن توسط  
اکثر مسئولین و سیاست‌گذاران.

س توقعات روزافزون حکومت و مردم از دانشگاه، به صورتی غیر متناسب با میزان سرمایه گذاری مادی و معنوی.

س برخورد سطحی، قشری و همراه با سوءظن با دانشگاه و مسائل دانشگاه.

س کاهش معنویت در سطح جامعه و به تبع آن دانشگاه و از طرفی ضعف روزآمدکردن اندیشه‌ها و معارف دینی و ترجمه آن‌ها به زبان دانشجو.

س لحاظ نکردن دانشگاه به میزان یک کل به هم بافته و عدم توجه به رابطه تنگاتنگ مسائل اقتصادی و فرهنگی توسط سیاست‌گذاران.

س ضعف در مشارکت دانشگاهیان در تصمیم‌سازی‌ها به ویژه تصمیمات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و پایین آمدن شأن اجتماعی دانشگاه‌ها.

آسیب‌پذیری‌های عمده فرهنگی دانشگاه عبارتند از:

۱- ظرفیت‌های فکری و فرهنگی جامعه برای برنامه‌ریزی فرهنگی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به دلیل برخوردهای حزبی و جناحی.

۲- مهاجرت سالانه بخشی از متخصصان کشور و کاسته شدن از توانمندی‌های علمی جامعه (فرار مغزها).

۳- تهاجم گسترده فرهنگی غرب که توسط رسانه‌های جهانی و با کمک فناوری‌های جدید تا زوایای خانواده‌های ایرانی نفوذ می‌کند.

۴- رواج علم‌زدگی و مدرک‌گرایی نزد دانشجویان و روشنفکران که حاکی از سطحی بودن اطلاعات و معلومات علمی و فقدان روحیه خلاقیت و نوآوری

است.

۵- مورد حمله قرار گرفتن ارزش‌های دینی و سنت‌های فرهنگی تحت عناوین روشنفکری و علم باوری.

۶- جدایی و گسیختگی فکری حوزه و دانشگاه.

۷- جامعه از نظر علمی و تکنولوژیک تسلیم و مقهور غرب است و تلاش سازمان‌یافته‌ای به جز در فناوری‌های انرژی هسته‌ای و چند بخش دیگر جهت بومی‌کردن علم و فناوری آن‌طور که شاید و باید صورت نمی‌پذیرد.

۸- رواج فرهنگ اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی در جامعه به ویژه میان برخی

مسئولان و صاحب‌منصبان.

۹- فروپاشی بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و تبدیل شدن ناهنجاری‌های رفتاری به هنجارهای فرهنگی.

۱۰- فقدان مطالعات و پژوهش‌های هدفمند برای تعریف هویت فرهنگی و تاریخی خود و اکتفا به آنچه تحت عنوان شرق‌شناسی درباره فرهنگ ایران ترویج شده است.

۱۱- رواج بی‌مبالاتی در رفتار دختران و پسران و حتی روابط جنسی میان آنها که موجب آسیب‌های عاطفی، روانی و حتی فیزیکی می‌شود.

۱۲- شیوع روز افزون اعتیاد به انواع مواد مخدر در جامعه به ویژه میان جوانان، که آسیب‌های جبران‌ناپذیر فرهنگی و اجتماعی در پی دارد.

۱۳- تعارض میان ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی بومی از یک سو و ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی مهاجم غرب از سوی دیگر در دانشگاه و آثار و پیامدهای این تعارضات فرهنگی برای کشور (بقائنی‌پور، ۶۴).

همچنین «آقایگی کلاکی» مهمترین موانع نرم افزاری و بعضاً ساختاری موجود در مهندسی فرهنگی دانشگاه‌های کشور در سر راه و مسیر تولید علوم انسانی اسلامی را شامل: دین‌شناسی از منظر مدرنیته (دین‌شناسی شرق‌شناسانه)؛ جزم‌اندیشی و تعصب نسبت به مدرنیته؛ هژمونی و مرجعیت غرب در علوم اجتماعی؛ سطحی‌زدگی در روش پوزیتیویستی و ابطال‌گرایانه؛ نفی سیاست دینی؛ ناکارآمدی و نابسندگی محتوای دینی نظام آموزشی علوم اجتماعی و انسانی؛ عدم توجه به مسائل و نیازهای اجتماعی؛ نگرش منفی نسبت به جامعه‌ی خودی؛ سیاست‌زدگی و فقدان نگرش سیستمی و ارگانیک؛ و معیارهای غلط در تولید علم می‌داند (رک: آقایگی کلاکی، ۱۳۹۱، سایت برهان).

### فرصتها و تهدیدات دستیابی به وضعیت مطلوب دانشگاه

عوامل و متغیرهای پیش‌برنده و بازدارنده نسبت به حرکت در راستای دستیابی به وضعیت مطلوب دانشگاه کدامند؟ در اینجا باید متغیرها و عوامل را برحسب «تهدید» یا «فرصت» بودن گروه‌بندی نمود.

۱- متغیرهای فرصت‌ساز

۱-۱- دینی بودن «هویت تاریخی و فرهنگی ایران»

۱-۲- حقانیت «اسلام» و فطری بودن آن

۱-۳- وجود نیروهای کارآمد و فعال در عرصه تبلیغ و فعالیت فرهنگی

۱-۴- وجود شکاف و اختلاف در میان «جبهه نیروهای غیرانقلابی و سکولار»

۵-۱- مستقر بودن «تشکلهای و نهادهای انقلابی» در دانشگاه، از جمله بسیج دانشجویی، جامعه اسلامی دانشجویان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و...

۶-۱- تغییر رویکرد و عناصر «انجمنهای اسلامی دانشجویان» در بسیاری از موارد که پیش از این در تقابل با جریان اسلامی و انقلابی فعال در دانشگاه‌ها قرار داشتند.

۷-۱- وجود رویکرد ارزشی و انقلابی در «وزارت علوم و تحقیقات و فن

آوری» به سبب روی کار آمدن دولت نهم و دهم

۸-۱- شکل‌گیری نگاه‌ها و راهبردهای مسئولان‌تر در «نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری»، «بسیج دانشجویی» و «وزارت خانه‌های مربوطه» با توجه به تغییرات اخیر در مدیران عالی این مرکز

۹-۱- اقبال جامعه به گفتمان اصولگرایی و به حاشیه رفتن اصلاح‌طلبان

۱۰-۱- اهتمام و نگاه ویژه «مقام معظم رهبری» به دانشگاه‌ها و مطرح شدن گفتمان‌های خاص از سوی ایشان با عناوین: «عدالت‌خواهی»، «جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم»، «بصیرت سیاسی»، «استقلال دانشگاه‌ها از احزاب»، «تفکیک نقادی از معارضة»، «ارتقاء فکر و فرهنگ دینی در دانشگاه‌ها»، «ضرورت تعمیق معرفت دینی دانشجویان»، «دشمن‌شناسی»، «مهندسی فرهنگی» و...

## ۲- متغیرهای تهدید ساز

۲-۱- شیوع برخی «گرایشها و نحله های فکری و ایدئولوژیک منحرف» در دانشگاه‌ها از قبیل: ناسیونالیسم، لیبرالیسم، مارکسیسم، فمینیسم، عرفان منهای شریعت، اسلام التقاطی، سکولاریسم و...

۲-۲- «دین‌گریزی» در حوزه‌ی معارف و اصول دین (عدم علاقه به مطالعه و تحقیق درباره مسائل دینی) و در حوزه رفتارها و ارزشهای دینی (عدم پای بندی به روابط اخلاقی میان دختر و پسر و حفظ پوشش اسلامی و...)

۲-۳- ضعف‌های فکری (تئوریک) و مدیریتی (پراتیک) تشکلهای دانشجویی خودی و همچنین انگیزه‌ی اندک آنها برای فعالیت فرهنگی در دانشگاه

۲-۴- وجود پتانسیل و قابلیت بالقوه عناصر وابسته به «انجمن‌های اسلامی سابق» که اکنون از انجمن‌ها رانده شده‌اند برای ایجاد تنش و آشوب و تحریک دانشجویان

۲-۵- ناکارآمدی نسبی «سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری» از نظر ناتوانی در سوق دادن دانشگاه‌ها به سوی فضای ارزشی و انقلابی

۲-۶- کم توجهی دستگاه‌ها و نیروهای خودی در زمینه عملیاتی و اجرایی کردن «رهنمودها و راهکارهای مقام معظم رهبری»

۲-۷- تمایل شدید «احزاب» به استفاده ابزاری از دانشجویان و جنبش دانشجویی

۲-۸- نامشخص بودن ماهیت، راهبرد و اهداف جنبش دانشجویی

۲۳۰

مطالعات الگوی پیشرفت  
اسلامی و ایرانی

سال اول - شماره دوم - زمستان ۱۳۹۱

۹-۲- هدایت شدن دانشجویان از طریق برخی از روشنفکران وابسته

۱۰-۲- ضعفهای گسترده ساختاری و محتوایی در «وزارت آموزش و پرورش» که تأثیرات منفی بلندمدتی را در شکل‌گیری شخصیت نوجوان به جا گذاشته و در دوران دانشجویی نیز ادامه می‌یابد.

۱۱-۲- «تهاجم فرهنگی» دشمنان انقلاب از آن سوی مرزها از طریق شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای، فیلم‌های مستهجن، سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی، آموزشهای خاص سیاسی از طریق برگزاری دوره‌های فشرده و...

۱۲-۲- وجود حجم قابل توجهی از «نشریات دانشجویی» در دانشگاه‌ها و «وبلاگهای دانشجویی» در فضای مجازی که ناهم‌سوی با ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی‌اند.

۱۳-۲- ضعفها و کاستیهای «نظام خانواده» از لحاظ تربیت دینی و پرورش اخلاقی فرزندان

### نقشه مهندسی فرهنگی کشور

نقشه، طرح و صورت، عمل پیش‌بینی شده و تصویری از یک مجموعه است (فرهنگ عمید). نقشه، در حوزه فرهنگ ابزار ارزشمندی است، زیرا که الگوهای فرهنگی را به دقت نشان می‌دهد. نقشه فرهنگی کشور در واقع ارائه یک تصویر و صورت‌بندی از اجزاء، عناصر، اهداف و وضعیت فرهنگ کشور است.

در تهیه هر نقشه مشخص می شود که:

۱- چه کارهایی بایستی انجام شود (کارکردها)؛

۲- چه کسانی، سازمانهایی و یگانهایی باید این کارها را انجام دهند (ساختارها)؛

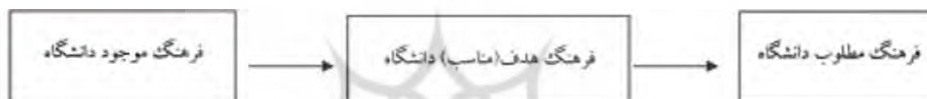
۳- چگونه این کارها را باید انجام داد (سیاستها و استراتژیها و راهکارها) (ناظمی، بی تا، ۷۱).

رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهیه نقشه مهندسی فرهنگی کشور را به عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرارگاه اصلی فرهنگ گذاشته اند. تهیه نقشه مهندسی فرهنگی کشور، با بهره گیری از عقبه علمی و فکری بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است ولی اجرای نقشه که موجب مراقبت و حراست و تحقق فرهنگ هدف است، بر عهده خط مقدم اجرایی این قرارگاه اصلی است. در نقشه مهندسی فرهنگی باید مشخص شود هریک از مؤسسات و مراکز علمی و پژوهشی در حوزه علوم انسانی و فرهنگی چه وظیفه و کارکرد مورد نیازی باید داشته باشند.

مسلم آن است که قرارگاه اصلی و قرارگاه مقدم فرماندهی، بدون وجود نقشه عملیاتی نمی تواند به اهداف خود برسد. بدون وجود نقشه، نمی توان سازمانهای فرهنگی و غیر فرهنگی را در جهت هدف، منسجم نمود و به کار گرفت. بنابراین، برای اینکه بخشهای گوناگون دولتی و غیر دولتی در باب فرهنگ دارای نظم، جهت گیری و جهت یابی باشند، ابتدا باید نقشه مهندسی فرهنگی کشور تهیه نمود (ناظمی، بی تا: ۷۱، نقل از صانعی پور، ۱۳۸۳).



در تهیه نقشه مهندسی فرهنگی دانشگاه باید به سطوح و لایه‌های فرهنگ و کارکردهای تخصصی فرهنگی (پژوهش، آموزش و ترویج) توجه کرد. در نگاه حداقلی به فرهنگ، تنها به دو بعد پژوهشی و آموزشی فرهنگ توجه می‌شود، اما در رویکرد حداکثری، علاوه بر دو بعد و یا کارکرد پژوهشی و آموزشی، به کارکرد ترویجی فرهنگ هم توجه خاص می‌گردد. این سه بُعد در واقع فعالیت‌های اصلی نقشه مهندسی فرهنگی دانشگاه هستند.



شکل شماره (۵): نقشه مهندسی فرهنگی دانشگاه، منبع: نویسنده

## نتیجه گیری

در فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی، برای داشتن کشوری قدرتمند، دولتی مقتدر، جامعه‌ای ایمن و تمدنی بزرگ، ضرورت تحقق دانشگاه اسلامی از مهمترین بایسته‌های انقلاب اسلامی در دهه چهارم آن است. دانشگاه حلقه اتصال و تعادل بخش تحقق نظام اسلامی، کشور اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است. تجمیع جویبارهای متعدد هویتی انقلاب اسلامی که به برکه هویتی نظام جمهوری اسلامی سرازیر شده، با دانش و معرفتی که از محیط دانشگاه می‌جوشد و به بنیانهای شناخت هویتی و تمدنی تمدنهای مختلف آگاه است، میسر است.

در این عرصه، اینکه چه «وظایف» و رسالت‌هایی در تحقق دانشگاه اسلامی برعهده داریم؟ چه باید کرد؟ «راهکارها» کدامند؟ با توجه به رویکرد مهندسی فرهنگی، تعیین استراتژی و مشخص کردن شیوه‌ها و راه‌های عبور از وضع موجود به وضعیت مناسب؛ رئوس راهکارهای عبور از وضع موجود به سمت وضعیت مناسب و مقابله با آسیب‌پذیری‌های مهندسی فرهنگی - اجتماعی دانشگاه‌ها عبارتند از:

۱. طراحی مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی متناسب با شأن دانشگاه اسلامی.
۲. تأکید بر حفظ آرمان‌ها و انتقال ارزش‌ها به منظور جلوگیری از گسست فرهنگی بین نسل اول و دوم و سوم.
۳. ایجاد ساختار پاسخگو و منعطف در دانشگاه‌ها متناسب با نیازهای انقلاب اسلامی.
۴. سازماندهی نظام اطلاعات فرهنگی دانشگاه‌ها و تهیه گزارش سالانه و وضعیت فرهنگی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی.
۵. فراهم نمودن محیط مناسب به منظور تحقق شکوفایی فکری، خلاقیت و نقد علمی در دانشگاه‌ها.
۶. ایجاد تمهیدات لازم برای قانونمند نمودن مشارکت فعال و اثر بخش دانشجویان.
۷. ساماندهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در مواجهه با جبهه فرهنگی دشمنان انقلاب با محوریت دانشگاه تمدن ساز

۸. استفاده از ظرفیتهای اثرگذاری بسیار بالای «قله‌های علمی و نخبگان ممتاز حوزه های علمیه» در راستای الگودهی به نسل دانشجو و در بدستگیری فضای فرهنگی دانشگاه‌ها از طریق حضور- هر چند اندک- آنها در دانشگاه‌ها.

۹. برگزاری نشست‌ها با حضور تمامی نهادها و مراکز فرهنگی مرتبط با دانشگاه برای دستیابی به «توافق و هم‌سویی» حقیقی و بلندمدت.

۱۰. بازنگری در «نیروهای انسانی» به کار گرفته شده در کادر فکری و اجرایی و ارتقاء دادن ملاکها و معیارها صلاحیت تصدی این جایگاه‌ها.

۱۱. راه‌اندازی «حلقه‌ها و گروههای فکری و مطالعاتی در دانشگاه‌ها» به صورت منظم و با مدیریت نیروهای کارآمد حوزوی.

۱۲. تمرکز انحصاری و ویژه بر «دغدغه‌ها و گفتمان‌های مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری و پرهیز از مصرف کردن توان در جهت موضوعات پیش‌پافتاده و گفتمان‌های بی‌اثر.

۱۳. تدوین «مهندسی فرهنگی» در قلمرو دانشگاه از شورای عالی انقلاب فرهنگی به همراه انتشار مبانی نظری و ایدئولوژیک آن.

## منابع

- آقاببگی کلاکی محمد (۱۳۹۱) *موانع تولید علوم اجتماعی اسلامی در دانشگاه*؛ سایت تحلیلی برهان
- ابراهیمیان سید حسین (۱۳۹۱) *بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی*، تازه های اندیشه، شماره ۹۱، فروردین و اردیبهشت
- ابراهیمی سید ابراهیم (۱۳۸۶) *بایسته‌های مهندسی فرهنگی*، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی کشور، جلد اول، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- ابراهیمی سید ابراهیم (۱۳۸۶) *مهندسی فرهنگی و دانشگاه*، فصلنامه دانشگاه اسلامی
- کریمی بندرآبادی محمد علی (۱۳۸۹) *ماهیت واقعی مهندسی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی*، یزد، نخبگان دانش
- بقائی پورکسری و رمضان نژاد محبوبه (۱۳۸۶) *آسیب شناسی مهندسی فرهنگی دانشگاه‌ها*، همایش مهندسی فرهنگی، جلد دوم، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- خرمشاد محمدباقر، آدمی علی (۱۳۸۸) *انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن ساز*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶، تابستان
- ناظمی مهدی (۱۳۸۴) *درآمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور*، دبیرخانه شورای فرهنگی
- ذوعلم علی، *اصول و فرایند مهندسی فرهنگ ۱۴۰۴*

ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۵)، مهندسی فرهنگی کشور: تحلیلی بر فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۱، انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

علی اکبری، حسن (۱۳۸۵)، مدیریت راهبردی با ترسیم چشم انداز دستگامها و موضوعات فرهنگی، درآمدی بر مهندسی فرهنگی کشور، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی کشور (۲۰-۲۱ دیماه ۱۳۸۵)، انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

رازنهان، فیروز، و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۵)، مهندسی فرهنگی و نقشه فرهنگی کشور، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی کشور (۲۰-۲۱ دیماه ۱۳۸۵)، انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

رازنهان، فیروز، مهندسی فرهنگی کشور، پیش شرط تحقق سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۲۳۷

مطالعات الگوی پیشرفت  
اسلامی و ایرانی

مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی دانشگاه لازمه تمدن سازی اسلامی

مهدی ناظمی اردکانی، رمضان شعبانی سارویی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی